



۲۰۲۱/۰۱/۱۴



عبدالقیوم میرزاده

حکومت مؤقت یا پیروزی خصم؟

همانطوریکه در نوشته های قبلی زیر عناوین «بلاخره خلیل زاد از بخشهای مستور توافقنامه خویش با طالبان پرده برداشت (جولای ۲۰۲۰)»، «مذاکرات دوحه (سپتمبر ۲۰۲۰)» و سایر گزارشات در باره توافقنامه ضد افغانی امریکا - پاکستان (طالبان) تصریح کرده بودم که این توافقنامه دقیقاً غرض سرنگونی حکومت جمهوری اسلامی افغانستان و واگذاری عنان اداره دولت بدست پاکستان به گروه تروریستی ساخته شده شان یعنی طالبان در دستور کار وزارت امور خارجه و دست اندر کاران امور افغانستان و جنوب آسیا در اداره حکومت امریکا قرار دارد.

بعد از سفر مؤرخ ۴ جنوری ۲۰۲۰ خلیل زاد شاید به افغانستان که قبل از آن به پاکستان و قطر نیز رفته بود و ملاقات هایش با حلقه های معین در داخل و خارج از افغانستان خاصاً با عبد الله عبد الله سر و صدا هایی ایجاد حکومت مؤقت یک بار دیگر بالا گرفته است و صف آریایی هایی در میان موافقان و مخالفان ایجاد حکومت مؤقت در حال شکل گرفتن است.

با آنکه محمد نعیم سخنگوی طالبان در دفتر قطر در مصاحبه اش با رادیوی آزادی مؤرخ ۷ جنوری سالجاری خواست طالبان مبنی بر تشکیل حکومت مؤقت را رد کرده و متذکر شد که این مسئله از جانب طالبان در هیچ اجنابیی برای مذاکرات (صلح) مطرح نگردیده است. زیرا طالبان اهداف غصب کامل قدرت را در سر دارند. اما از بیانات عمران خان صدراعظم پاکستان، جنرالان نظامی و رهبران برحال و گذشته اداره استخبارات نظامی پاکستان ISI بوضوح استنباط میشود که پاکستان و امریکا متفقاً در پی بر اندازی حکومت موجود افغانستان به هر وسیله ممکن میباشند. هر دو تلاش دارند تا به هر نحوی که برایشان میسر و ممکن باشد شیرازه حاکمیت را در کشور واژگون ساخته و در موجودیت هر نوع خلای قدرت، بی ثباتی، اغتشاش و هرج و مرج سیاسی و اجتماعی نیروی اهریمنی کاملاً آماده پاکستانی یعنی طالبان را که در داخل مرز های کشور و هم در کناره های مرزی آماده اند با یک یورش برق آسا به کمک مستقیم اردوی پاکستان و فرماندهی افسران پاکستانی همچو سال ۱۹۹۶ زمام امور را در کشور ما تصاحب کنند.

از تحلیل و ارزیابی وضعیت سیاسی - اجتماعی - نظامی کشور بخوبی بر می آید که به جزء از قوای مسلح قهرمان کشور تحت فرماندهی اداره دولت هیچ نیروی الترناتیف در کشور وجود ندارد تا در موجودیت خلای قدرت توانمندی اداره کشور را داشته و بیطرفانه زمام امور را در دست گرفته و از منافع ملی، سرحدات و نوامیس ملی کشور دفاع کند. زیرا اختلافات ذات البینی میان گروه ها و رهبران تنظیم های (جهادی) و سایر عناصر متشکله که در سی سال اخیر به زور سر نیزه خود را بر مردم تحمیل کرده بودند و در حقیقت همه غلامان و اجنتان بیگانگان خاصاً پاکستان و ایران اند آنقدر عمیق و ریشه دار میباشد که هیچگاهی نمیتوانند روی تقسیم قدرت و ثروت به توافق برسند.

این پرواضح است که پاکستان در وجود طالبان خواهان برقراری سیستم مطلق العنان ضد مردمی و غصب همه حقوق و آزادی های مردم میباشد تا اهداف و استراتژی های پاکستان را در منطقه اجرایی کرده که منافع عمومی مردم افغانستان در این میان هیچ جایگاهی ندارد. زیرا پاکستان در شرایط موجود بخوبی درک میکند که امریکا بنابر مشکلات اقتصادی و تقلیل مصارف نظامی قوایش را از افغانستان برون میکند و برای بازدارنده گی و مزاحمت در برابر میگا پلانهای چین در جنوب آسیا به وجود پاکستان نیازمند است این مسئله قرعه فال را بنام پاکستان رقم زده و سیر حوادث در همین راستا در حرکت است که متأسفانه عده آشوبگر کوتاه نگر در جمع غلام بچگان پاکستان و جواسیس سازمانهای استخبارات خارجی در کشور ما بدون در نظر داشت عواقب وخیم این طرح های ضدملی به تبلیغ ایجاد حکومت مؤقت موضع گرفته اند.

بر حکم مشخصه های منافع ملی اگر منافع ملی یا منافع همگانی در یک کشور زیانمند و یا نابود گردد، منافع تمام باشندگان آنکشور اعم از همه کتگوری ها و لایه های اجتماعی زیانمند و نابود میگردد. این آقاییون که امروز برای حفظ ثروت و منافع شان میخواهند با حربه حکومت مؤقت داکتر اشرف غنی را از ارگ خارج سازند اگر کمی دقت بخرچ دهند بخوبی درمی یابند که به مجرد سرنگونی شیرازه حاکمیت در کشور همه هستی مردم و تمام داشته ها و هستی آنهایی که امروز در پی انتقام و حفظ سیطره و ثروت خویش اند نیز نابود و برباد میگردد و از همه مهمتر اینکه کشور ما به خواست امریکا و پاکستان به مرکز ترویزم بین المللی مبدل گشته و هرکشور دیگر خاصتاً همسایگان غرض حفظ منافع خویش تا توان داشته باشند در این میان مداخله میکنند و ابعاد این مداخلات کشور ما را به سوی یک جنگ تمام عیار داخلی به پیش خواهد برد.

که جنگ داخلی بصورت قطع امکان اتحاد نیرو ها و و تدوین یک اجماع ملی و بین المللی را مانع گشته و سیاست های خارجیان برای منافع شان آتش جنگ را همچنان مشتعل نگه میدارد. که بهای همه این مداخلات، اغتشاش و جنگ داخلی را مردم بیچاره ما با خون و جان شان میپردازند. تجارب سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۶ بما بخوبی نشان داد که همه محاسبات سیاسیون آنزمان هم در قبال حکومت مؤقت و هم در قبال استفاده از الترناتیف های پاکستانی برای مقابله با رقبای سیاسی - نظامی کاملاً غلط بوده و هیچ نتیجه در ورا و محدوده منافع ملی کشور ببار نمی آورد.

قابل یاد آوری میدانم که مراجع حکومتی، رهبران و کادر های موجود و مخلوع احزاب سیاسی، تحلیل گران، مسببین و شاهدان حوادث مرگبار سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۶ تجارب و چشمدید های خویش را از ناکامی پیش فرض ها، تصور نابخردانه رهبران از انکشاف روند ها و جریانات آنزمان با مردم و تحلیل گران امروز در میان گزارند تا همه بخوبی درک کنند که ایجاد خلای قدرت و زیر نام حکومت مؤقت چه پلانهای خصمانه ضد افغانی در قبال نهفته دارد. نباید تحت تأثیر تبلیغات خصمانه دشمن قرار گرفت. دشمنان افغانستان اکنون تبلیغ میکنند که (اشرف غنی بخاطر حفظ چوکی و مقامش تأکید بر ادامه جمهوریت دارد) اشرف غنی خواهی نخواهی بر طبق قانون اساسی و قانون انتخابات با ختم دوره کاری اش زمام امور را به رئیس جمهور منتخب تفویض میکند. یعنی اینکه آینده جمهوریت و ادامه کار داکتر اشرف غنی در قانون بصورت مشخص تعریف گردیده است. اما چون و چرای حکومت مؤقت کاملاً نامعلوم، تعریف ناشده بوده و در موجودیت حکومت مؤقت کدام نیروی مطمئن قانونی برای دفاع از مردم، نوامیس ملی و هستی کشور تعریف نشده و هیچ ضمانتی در زمینه ثبات و استحکام و اداره کشور وجود ندارد. در باب حکومت مؤقت ما و همه ملت تنها همینقدر میدانیم

که این زوزه همانند سایر پلانها و اقدامات خصمانه از جانب دشمنان قسم خورده کشور ما سر داده شده که در طول قریب نیم قرن اخیر برای تباهی، ویرانی، بی ثباتی و وطن ما و قتل عام مردم ما اقدام کرده است.

از طرف دیگر علم جامعه شناسی، اداره و تجربه بما می آموزد که با تقویت اداره دولت – ملت و نهادینه شدن شاخص های دیموکراسی و آزادی های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی با در نظر داشت سطح آگاهی مردم در انتخاب نماینده گان شان همه مردم امکان و توانایی شراکت در قدرت و استفاده از ثروت ملی را دارا میگردند. این به این معنی است که از لحاظ داخلی صلح پایدار و انکشاف اقتصادی در درون یک دولت مقتدر، مستحکم و با ثبات نهفته است در مقیاس منطقه و جهان بعد از خروج عساکر امریکایی که ما آنرا به فال نیک میگیریم افغانستان نیازمند یک باز تعریف مشخص موجودیت اش در مناسبات منطقوی و بین المللی میباشد. برای این کار نیز افغانستان در گام نخست به یک دولت قدرتمند و با ثبات و از جانب دیگر به یک اجماع منطقوی در مناسبات پسا امریکایی نیازمند میباشد. اجماع منطقوی تنها از راه در نظر گیری تمام دیدگاه ها، مخاصمات و رقابت های منطقوی و پیشنهادات عملی برای برون رفت از این معضلات که در پرتو استراتیژی های ابر قدرت ها در قرن بیستم به شدت عمیق گردیده است بدست خواهد آمد. این روند کاریست دوامدار در وجود یک دولت با ثبات و مقتدر و مستلزم عناصر وطندوست، آگاه و دورنگر در اداره و رهبری آن، همچنان مستقیماً وابسته میباشد به سطح بیداری و آگاهی مردم .

پس ما میبینیم که تمام آزادی ها، صلح، قطع جنگ و مخاصمات و سایر چالشهای فراروی مردم و کشور ما در گرو یک دولت نیرمند میباشد. پس لازم می افتد تا به نیرو مندی نظام و اداره دولت کوشا باشیم.

همچنان تجربه به وضاحت و صراحت به همه ما نشان داده است که در وجود مداخله خارجی و حکومت مطلق العنان پاکستانی (طالبی) مردم حتی برای تنفس شان هم به اجازه جرنیل، کرنیل و میجر پاکستانی را که بنام طالب حکومت را در دست میداشته باشد نیازمند میباشدند.

هموطنان عزیز روند دولت سازی و راهکار های استحکام دولت در شرایط مداخله و موجودیت عناصر مداخله در درون کشور بسیار بسیار پیچیده و مغلق اند که متأثر از عوامل و فکتور های گوناگون میباشد، نباید حوصله مندی و متانت را از دست داد و تسلیم خصم شد، اگر ما امروز این مسئله را درک نکنیم و مانند سایر فرصت های از دست رفته تحت شعار های حکومت مؤقت، دوره انتقالی و مخالفت های سیستم بر انداز آنرا از دست بدهیم تاریخ و مردم کشور ما را نخواهد بخشید. ما رسالت داریم از یکطرف مردم خویش را از پلان ها و عواقب پلانهای دشمن آگاه سازیم و از جانب دیگر آنها را به مکلفیت ها و وظایف شان منحیت اتباع کشور در برابر مادر وطن در چنین اوضاع خطیر متوجه سازیم.



[برای مطالب دیگر عبدالقیوم میرزاده، بروی عکس کلیک کنید](#)